ادامه از صفحه اول

منافع ملی یا منافع باندی؟

چطور در زمان فساد سه‌هزار میلیاردی که بیخ گوش این فرد رخ داد، از این ادبیات اثری نبود؟ ریشه این‌گونه رفتارها را باید در برخورد کمیسیون ویژه برجام در مجلس با تیم مذاکره‌کننده هسته‌ای و اساسا برخورد تندروها با دستگاه دیپلماسی دولت یازدهم دنبال کرد. اعتراض برخی اعضای این کمیسیون به روش درپیش‌گرفته‌شده توسط رئیس کمیسیون و گزارش یک‌سویه این کمیسیون بدون در نظرداشتن نظرات کارشناسی اعضای غیرهمفکر، دلیل نگرانی‌ها نسبت به ترکیب و بی‌طرف‌نبودن آن در قبال توافق هسته‌ای را روشن کرد. در شرایطی که حضرت آیت‌الله مکارم‌شیرازی، از مراجع عظام تقلید، بر اهمیت پرهیز از دودستگی در قبال برجام و تسریع در اجرای آن نظر دادند، رفتار کمیسیون برجام بسیار سؤال‌برانگیز است.

مقام معظم رهبری پیش از این بر ایفای نقش مجلس در توافق هسته‌ای تأکید داشتند که بر حق نظارت مجلس اشاره داشت نه اینکه در یک کمیسیون، دیپلمات‌های مورد اعتماد اکثریت ملت ایران و شخص رهبری، با توهین و رفتارهای سؤال‌برانگیز تندروها مواجه شوند و تیم ناکام قبلی مذاکره‌کننده، تبلیغ و تحسین شود. این در حالی است که شورای‌عالی امنیت ملی به عنوان عالی‌ترین مرجع امنیتی و سیاسی کشور با اشراف رهبر معظم انقلاب، موافق اجرای برجام است. نکته دیگر به فشارهای پیدا و پنهان برخی نمایندگان به دولت با سوءاستفاده از عناوین ارزشی بازمی‌گردد. در شرایطی که کشور در ماتم فاجعه منا و حجاج مظلوم ما به‌سر می‌برد، تعدادی انگشت‌شمار بدون مجوز قانونی مقابل مجلس چادر زده و الفاظ توهین‌آمیزی خطاب به تیم هسته‌ای به کار بردند. نکته جالب‌توجه ماجرا، رفت‌وآمد برخی چهره‌های مشهور به تندروی در میان آنان بود. در شرایط فعلی، اصولگرایان آگاه نظیر دکتر لاریجانی، حجت‌الاسلام ابوترابی و... از خرج‌شدن منافع ملی برای منافع عده‌ای تندرو ابراز ناخرسندی می‌کنند؛ تندروهایی که در دولت گذشته در قبال سوءمدیریت‌ها و حیف‌ومیل اموال بیت‌المال اعتراضی نکردند و فقط نظاره‌گر عقب‌افتادگی کشور، خالی‌شدن سفره‌های مردم و زمین‌گیرشدن تولید داخلی بودند.

امروز شاهد آن هستیم دکتر ظریف و دکتر روحانی در سازمان‌ملل با استفاده از ظرفیت‌های دیپلماتیک، به‌دنبال منافع ملی، دفاع از حقوق حجاج جان‌باخته و رساندن مواضع ایران به گوش جهانیان بودند اما در داخل، تندروها و صداوسیما حتی برای احترام به نماینده قانونی ملت ایران، نه‌تنها این تلاش‌ها را بازتاب ندادند، بلکه در برخی موارد، وارونه‌نمایی کردند. تداوم درگیری برخی نمایندگان با دولت با اعلام استیضاح‌های بی‌حاصل و سؤالات تکراری و غیروارد، حتما از نظر مردم ایران پنهان نخواهد ماند. همه نیروهای دلسوز کشور به‌ویژه بزرگان انقلاب و نیروهای اصلاح‌طلب می‌توانند در برهه فعلی با دادن امید و آگاهی به مردم، توجه آنان را به برخوردهای خارج از مصلحت و همبستگی ملی اقلیتی تندرو جلب کرده و اهمیت آرای تک‌تک ایرانیان را در انتخابات مهم مجلس شورای اسلامی و خبرگان رهبری یادآور شوند.

*عضو شورای شهر تهران و نماینده دور پنجم مجلس، از کوهدشت لرستان

مهندسین و تعهدات مدنی

زیرا چنین رفتار هوشمندانه‌ای می‌تواند امید برای زندگی متعالی‌تر در خانه‌ها، کوچه‌ها و شهرهای ایران‌زمین را نوید دهد و با تشکیل یک سازمان قوی، مردمی، کارآمد و اثربخش این مهم محقق شود.

رئیس اتحادیه باغ‌داران کشور در گفت‌وگو با «شرق»:

گروهی ناشناخته اما متخصصِ قاچاق میوه هستند

دولت در برابر هجمه «نداریم نداریمَ» مقاومت کرد



عکس: تارا مختار، جام‌جم آنلاین

احمد میرخدائی: ویترین مغازه‌های میوه‌فروشی کشور را میوه‌های خوش‌فرم و شکیل خارجی با قیمت‌های بالا قبضه کرده‌اند و گویا کسی هم به روشنی از کیفیت ورود و عرضه این میوه‌ها، که اکثرشان نیز نوبر محسوب می‌شوند، اطلاعی ندارد. چندی پیش بود که معاون وزیر جهاد کشاورزی گفت: نباید به دلیل منافع چند واردکننده و با واردات بی‌حساب‌وکتاب میوه، با مصالح کشور بازی کرد. به گزارش «ایسنا» محمدعلی طهماسبی با تأکید بر اینکه این میوه‌ها به دور از چشم ناظران سازمان حفظ نباتات و بدون ارزیابی سلامت‌شان وارد بازار می‌شوند، اصلاح قانون واردات محصولات کشاورزی را الزامی دانسته است تا هرکسی نتواند به بهانه واردات پیله‌وری، به واردکردن میوه، اقدام کند. برای اطلاع از چندوچون قاچاق و واردات میوه، گفت‌وگویی با «مجتبی شادلو»، رئیس اتحادیه باغ‌داران کشور، انجام داده‌ایم. شادلو می‌گوید واردات میوه، به جز موز، طبق قانون ممنوع است و به دلیل فسادپذیربودن میوه، از هر راهی نیز نمی‌تواند قاچاق شود. در ادامه، متن کامل گفت‌وگوی رئیس اتحادیه باغ‌داران کشور با «شرق» را می‌خوانید.

جناب شادلو، در دولت گذشته واردات محصولات کشاورزی به شکل بی‌رویه انجام می‌شد. درحال‌حاضر واردات قانونی میوه به کشور به چه شکلی است و از ممنوعیت‌های این حوزه هم بگویید؟

در شرایط فعلی، واردات میوه به ایران به استثنای موز ممنوعیت مطلق دارد؛ یعنی قانونا به مقدار محدود هم اجازه واردات داده نمی‌شود؛ اما شاهدیم در فصول مختلف، میوه‌هایی که قطعا نه در آن فصل در کشور تولید می‌شود و نه مصرف آن در جامعه عرف است، باز هم در بازارها وجود دارد. این میوه‌ها در آن فصول مزیت نوبرانه دارند؛ اما در هر صورت حتی میزان کمی که به‌دلیل نبود نظارت وارد بازار می‌شود نیز به تولید داخلی زیان می‌رساند.

این میوه‌ها قاچاق محسوب می‌شوند یا واردات؟

بحث قاچاق میوه یک‌سری حواشی دارد که باعث می‌شود عموم مردم هم قبول نکنند این همه میوه قاچاق باشد.

چه حواشی‌ای؟

مثلا می‌گویند اگر واردات ممنوع است، این میوه‌ها از چه راهی وارد کشور می‌شوند. این حجم از میوه را نمی‌شود از راه‌های صعب‌العبور به کشور قاچاق کرد. یک چمدان کالا نیست که به‌راحتی قاچاق شود یا مثلا بشود آن را با قاطر و شتر از راه‌های صعب‌العبور به کشور آورد.

یعنی به نظر شما این میوه‌ها به صورت قاچاق وارد کشور نمی‌شوند؟

میوه نمی‌تواند در قالب تصوری که عموما برای قاچاق در جامعه وجود دارد، یعنی از بیراهه و غیراصولی، وارد کشور شود. اما اگر قاچاق را به معنی دورزدن قانون معرفی کنیم، می‌توان گفت میوه قاچاقی وارد می‌شود چراکه قانون صراحتا واردات میوه را ممنوع اعلام کرده است.

میوه‌هایی که در ورود قاچاقشان به کشور شک وجود دارد چه میوه‌هایی هستند و از کجا به بازار ایران می‌آیند؟

به دلیل تفاوت فصول در دو نیم‌کره شمالی و جنوبی، اغلب میوه‌هایی از شیلی، برزیل، کشورهای آفریقایی و مدیترانه‌ای وارد می‌کنند که در بازار نیست و نوبر محسوب می‌شود. در کنار اینها گاهی نارنگی پاکستانی و گاه پرتقال مصری عرف بازار می‌شود؛ گرچه عموما پرتقال‌هایی از کشورهای شمال آفریقا و کشورهای منطقه مدیترانه هم در بازار وجود دارد اما اغلب به پرتقال مصری معروف شده‌اند. میوه و مرکباتی مانند لیموترش هم از کشورهای آمریکای جنوبی به‌خصوص برزیل وارد می‌شود یا گلابی از چین، سیب از فرانسه، انگور از شیلی و بسیاری دیگر که از پاکستان و ترکیه گرفته تا کشورهای شمال آفریقا و آمریکای‌جنوبی، هر زمانی که فرصتش باشد، وارد می‌شوند.

واردات میوه از این کشورها با توجه به بعد مسافت به‌صرفه است؟

کسی تجارت بی‌سود انجام نمی‌دهد و در هر صورت این تجارت هم عاقبت به سود این افراد خواهد بود. در ضمن، با توجه به متفاوت‌بودن فصل‌ها در دو نیم‌کره شمالی و جنوبی، طبیعی است که هر میوه‌ای که از این کشورها به ایران بیاید، نوبرانه محسوب می‌شوند و در غیاب مشابه ایرانی، چند برابر قیمت به فروش می‌رسند.

این محصولات از چه راهی به ایران می‌رسند، چطور می‌تواند قاچاقی اما تروتازه به ایران برسد؟

از چه راهی را من هم نمی‌دانم. هرکسی چیزی می‌گوید اما هیچ‌کدام از مواردی که عنوان می‌شود مانند واردات از طریق قانون پیله‌وری و مبادله مرزنشینان، یا واردات میوه به همراه مسافر و دیگر راه‌هایی که در مورد دیگر کالاها کارایی دارد، در بحث واردات یا قاچاق میوه قابل قبول نیست. حمل میوه، شرایط و بسته‌بندی خاص خود را می‌طلبد. امکانات و مراقبت خاص نیاز دارد. تازه در شرایطی که همه این موارد رعایت شده باشد باز هم ممکن است میوه خراب شود. میوه حساس و فسادپذیر است و اگر فرایند حمل و نگهداری آن به‌درستی مدیریت نشود، زود ضایع می‌شود. وقتی در داخل کشور، تا میوه از باغ به بازار مصرف برسد در معرض فاسدشدن قرار می‌گیرد چطور می‌شود که این محصولات به‌صورت غیرحرفه‌ای قاچاق شود و با این شکل و شمایل تروتازه به بازار مصرف برسد؟

کسی که بهترین پرتقال ایرانی را می‌خورد، باید در فصل تابستان، در غیاب پرتقال ایرانی، پرتقال پوست‌کلفت و چقر و بی‌کیفیت خارجی را چهار برابر قیمت بخرد و بخورد تا جیب آن افراد محدودی که میوه خارجی به بازار وارد می‌کنند، پر شود

شما به‌عنوان رئیس اتحادیه، این سؤال‌ها را تاکنون از مسئولان نپرسیده‌اید؟ آنها چه پاسخی به این پرسش‌ها داده‌اند؟

ممکن است قاچاقچیان از ارتباطاتی برخوردار باشند اما همه از قاچاق میوه و کیفیت واردشدن آن به بازار کشور اظهار بی‌اطلاعی می‌کنند!

همه یعنی چه کسانی؟ آقایان وزیر؟

همه یعنی متولیان امر. یعنی کسانی که در حوزه مسئولیت خود با محوریت واردات یا قاچاق میوه با رسانه‌ها صحبت می‌کنند.

اینکه گفته می‌شود قاچاق میوه بیشتر مربوط به مبادله مرزنشینان است را رد می‌کنید. چرا؟

مگر روابط بین‌الملل و ساختار مبادله با کشورهای خارجی به همین راحتی است که افراد بی‌تخصص بیایند در این عرصه وارد شوند. میوه با سوخت و مواد آرایشی و پارچه فرق دارد. شیوه قاچاق آن و قاچاقچی آن هم باید فرق داشته باشد. شاید بشود توجیه کرد که نارنگی پاکستان از این طرق مبادله شود اما انگور شیلی را چطور توجیه کنیم؟ مشخص است که گروهی ناشناخته اما متخصص، این کار را می‌کنند.

این افراد در ظاهر ناشناخته اما متخصص در کشور وجود ندارد یک میوه زمستانی مانند پرتقال در تابستان عرضه شود. در این میان متأسفانه عده‌ای محدود اما سودجو و منفعت‌طلب سعی می‌کنند مباحثی را برای توجیه لزوم واردات میوه مطرح کنند که یکی از این توجیهات این است که مثلا پرتقال تولید داخل در تابستان با هلو و زردآلوی ایرانی در زمستان نیست و باید میوه وارداتی جای آنها را بگیرد.

شما چه پاسخی برای این توجیه دارید؟

ما اگر در بعضی فصول برخی محصولات را نداریم، محصولاتی برای جایگزینی آنها هست. ما در چله زمستان زردآلو و هلو نداریم اما آیا اصلا ذائقه ایرانی به این محصولات گرایش دارد؟ مگر در زمستان کسی محصولات سرد می‌خورد؟ هندوانه هم به خاطر مرسوم‌بودن آن برای شب یلدا فقط در یک شب خورده می‌شود وگرنه ذائقه‌ها در زمستان به سمت میوه‌هایی مانند سیب و پرتقال متمایل است. چه اصراری است که در همه فصول، همه میوه‌ها در بازار باشد آن هم به قیمتی گزاف و چند برابر مشابه ایرانی. عرف بازار و انتظارات جامعه و همه چیز را با این کارها به‌هم ریخته‌اند. جدا از اینکه با این واردات و قاچاق نابجا به تولید لطمه می‌زنند، هیچ کمکی هم به مصرف‌کننده و تکمیل سبد غذایی جامعه نمی‌کنند. همه باید به خاطر منافع عده قلیلی تحت‌الشعاع قرار بگیرند و اذیت شوند تا درآمد آنچنانی نصیب این عده شود. در فرایند قاچاق یا واردات میوه واقعا به همان مصرف‌کننده هم خیانت می‌شود. همان کسی که بهترین پرتقال ایرانی را می‌خورد، باید در فصل تابستان، در غیاب پرتقال ایرانی، پرتقال پوست‌کلفت و چقر و بی‌کیفیت خارجی را چهار برابر قیمت بخرد و بخورد تا جیب آن افراد محدودی که میوه خارجی به بازار وارد می‌کنند، پر شود.

این توجیهات چقدر قابل‌اعتناست؟

تلاش برای واردات میوه دیگر منحصر به این توجیه‌ها نمی‌شود که مثلا در فلان فصل، فلان میوه نیست پس باید وارد شود. سال گذشته مجلس برای گرفتن اجازه واردات میوه به دولت فشار آورده بود؛ حتی نمایندگان استان‌های شمالی گفتند پرتقال نداریم! پس چطور شد که ما تا آخر خرداد پرتقال داشتیم؟ به فرض اگر یک سال وقفه‌ای در تولید یک محصول پیش بیاید، آیا باید بلافاصله برای واردات قانون تصویب کرد؟ چرا سه سال قبل از آن، که باغداران ما نابود شدند و محصولاتشان از فراوانی و به این دلیل که بیش از مصرف بازار بودند، خراب شد، کسی به دادشان نرسید اما یک سال که وقفه‌ای در تولید افتاد، همه طالب واردات میوه شدند؟ دولت در برابر این فشارها مقاومت کرد و انصافا هم شجاعت نشان داد. واقعا جسارت به خرج داد که در برابر این هجمه «نداریم نداریم» مقاومت کرد و در نهایت دیدیم که تا خرداد باز هم پرتقال داشتیم!

اگر دولت مقابله کرد، پس چرا برای جلوگیری از قاچاق موفق عمل نکرده است؟

متأسفانه توجیهات غیرمنطقی دیگری هم از جانب برخی افراد آورده می‌شود. اخیرا برخی از تجار گفته‌اند اگر دولت و وزارت جهاد کشاورزی راست می‌گویند و میوه به اندازه نیاز وجود دارد، بروند و الان پرتقال بخرند. این افراد با این توجیهات می‌خواهند بازار را به‌هم بریزند. بی‌توجه به اینکه هر کاری برای خودش اصل و اصولی دارد و خریدوفروش پرتقال هم عرف و زمان خودش را دارد. پرتقال در فصل سرما چیده می‌شود و حالا فقط می‌توان پیش‌خرید کرد وگرنه پرتقالی برای خرید نیست.

به هرحال باوجود ممنوعیت واردات، باز هم میوه‌های خارجی در کشور است، شما این میوه‌ها را قاچاق قلمداد می‌کنید؟

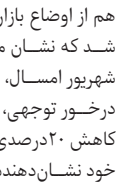
من می‌گویم قاچاق میوه چیز مخفیانه‌ای نیست. یک روال غیرمتعارف است که اگر بخواهند آن را جمع کنند، می‌توانند. اگر به فرض روزنه‌هایی در مرز و گمرک ما هم ایجاد شده باشد، یا از هر روش دیگری امکان واردات میوه مهیا شده باشد، بازهم این میوه‌ها باید در جایی به فروش برسند. دستگاه نظارت بازار و سازمان حمایت از حقوق مصرف‌کننده بسیار سریع می‌توانند محل ذخیره و عرضه این میوه‌ها و متولیان آن را ردگیری و یک‌بار برای همیشه با آنها برخورد کنند.

پس چرا برخورد نمی‌شود؟

من بگویم چرا برخورد نمی‌شود؟ شما از آنها بپرسید چرا این کار را نمی‌کنند. چرا فقط «ننه من غریبم» سر می‌دهند و شعار می‌دهند که میوه قاچاق و وارد می‌شود و ... اینکه چرا جلوی آن گرفته نمی‌شود را باید از ناظران و مدعیان این امور بپرسید. من مخالف قاچاق و واردات میوه هستم، اما اینکه چرا برخورد نمی‌شود را باید از متولیان امر پرسید.

نگاه

حاشیه‌ای بر متن نامه ۴ وزیر



منصور بیطرف

● نامه هشدارآمیز چهار وزیر به رئیس‌جمهوری، اگر برای خود نویسندگان نامه و دولت، آبی نداشت، لااقل نانی در سفره رسانه‌های اصولگرا گذاشت. آنها از این نامه بهره‌برداری‌های خاص خودشان را کردند و آن را تأییدی بر نظریه ۲۰ ماه رکود اقتصادی کشور دانستند و اینکه دولت روحانی نتوانسته برای سفره معیشتی مردم کار ویژه‌ای انجام دهد. بهره‌برداری‌های سیاسی از نامه و گزارش‌های اقتصادی، البته، شیوه و روش تازه‌ای نیست. این کار به طور مستمر در سالیان گذشته هم روی داده است، آنچه تازگی دارد نگاه خاص و رفتار برخی از کارشناسان اقتصادی است که انگار آنها نمی‌دانستند اوضاع و احوال اقتصاد کشور چگونه است. همان‌طور که در نامه وزیران دولت روحانی آمده است، آنچه کشور را به آستانه شکنندگی رسانده، نه کمبود سرمایه، بلکه کاهش تقاضاست و در نتیجه دولت مجبور است به دنبال راهکارهایی برای افزایش تقاضا در بازار باشد. رخداد مهمی که برخلاف گزارش‌های بانک مرکزی و مرکز آمار متأسفانه در طول یک سال گذشته، کمتر کارشناسان به آن توجه کرده یا می‌کنند. از قضا درست هم‌زمان با خبری‌شدن نامه چهار وزیر، گزارش بانک مرکزی هم از اوضاع بازار مسکن تهران در شهریور منتشر شد که نشان می‌داد حجم معاملات مسکن در شهریور امسال، نسبت به شهریور پارسال کاهش درخور توجهی، در حد ۲۰ درصد داشته است. کاهش ۲۰درصدی حجم معاملات مسکن به نوبه خود نشان‌دهنده آن است که مردم و در کل بازار تقاضا درباره کالاهایی که عمدتا می‌تواند سرمایه‌ای باشد رو به نزول است. این موضوع که چگونه بازار کالاهایی از نوع کالاهای بادوام و سرمایه‌ای، می‌تواند اثر مخربی بر کل اقتصاد کشور داشته باشد، هنوز برای برخی درک‌شدنی نیست. آنها چشمشان را روی افق‌های نه‌چندان‌دور بسته‌اند و اتفاقات نزدیک، مانند بازار کالاهای معیشتی را می‌بینند که هر روز پررونق‌تر می‌شود، ولی واقعیت آن است که «سرمایه» را نه بازار معیشت که بازار کالاهایی، مانند خودرو، لوازم خانگی، مسکن و... می‌سازند و گردش این نوع کالاهاست که «سرمایه» را شکل می‌دهد. مارکس در شروع فصل چهارم کتاب سرمایه به‌خوبی به این نکته اشاره می‌کند و می‌نویسد: «گردش کالاها، نقطه شروع سرمایه است».

بنابراین آنچه در محور نامه چهار وزیر آمده است چیز تازه‌ای را به فهم عمومی از اقتصاد کشور اضافه نکرده است. واقعیت تازه‌ای را عریان و حقیقت نوینی را طرح نکرده است، بلکه یک لایه از طرز تفکری را عریان کرده است که اگر برای آن فکری نشود، می‌تواند در کوتاه‌مدت خطرناک و بحران‌آفرین باشد و آن این است که تا چه زمانی می‌توان این انتظارات روانی را که قیمت‌ها در آینده رو به کاهش خواهد بود، کنترل کرد. درواقع همه ما می‌دانیم آنچه باعث شده نرخ تورم کاهش یابد، نه تولید و تأمین تقاضای مکفی که همین انتظارات روانی است. این همان واقعیت عریانی است که همه دولتمردان ما می‌دانند، اما برخی از آنها خودشان را به غفلت زده‌اند. شاید چهار وزیر دولت روحانی خواسته‌اند این واقعیت تلخ را به دیگر اعضای دولت گوشزد کنند و کاهش نرخ تورم را به پای برنامه‌های خود نگذارند؛ چون اتفاق تازه‌ای در رونق اقتصادی کشور رخ نداده که تورم را پایین بیاورد.

خبر

مشاور وزیر صنعت، معدن و تجارت

تداوم رکود مرگ‌بخش خصوصی است

● **فارس:** مشاور وزیر صنعت، معدن و تجارت در قالب هشداری در واکنش به این نامه بر خطر تعطیلی بنگاه‌ها با تداوم رکود تأکید کرد و گفت: متأسفانه بانک مرکزی موافق کاهش نرخ سود بانکی نیست. احمد پورفلاح با اشاره به نامه اخیر چهار وزیر به رئیس‌جمهور برای هشدار درباره وضعیت اقتصادی کشور، خاطرنشان کرد: انتشار این نامه در فضای مجازی این امیدواری را ایجاد می‌کند که دولت بدون سانسور و شفاف عمل می‌کند. رئیس سابق کمیسیون صنایع اتاق بازرگانی ایران افزود: آمارها مؤید آن است که در این حوزه نسبت به ۷-۸ سال اخیر ۵۰ درصد رشد منفی داشته‌ایم و چون این مسئله تداوم دارد، نقطه انتهایی آن به مرگ اقتصاد، به‌ویژه بخش خصوصی منتهی می‌شود؛ چراکه دولت با ورود پول‌های بلوکه‌شده، این امید را دارد که تا حدی خود را سرپا نگه دارد. پورفلاح تصریح کرد: وضعیت به گونه‌ای است که ۲۰ هزار واحد ورشکسته از یک سال پیش هیچ تکانی نخورده‌اند و نامه چهار وزیر شجاع و انتشار آن هشداری بود برای بسیاری از کسانی که جلوی جریان طبیعی اقتصاد را می‌گیرند و مقاومت می‌کنند تا مجلس نیز موضوع را جدی گرفته و با موضوع در راستای هموارکردن بسترهای لازم همراهی کند.

فهیمی و نقش میز کار مهندسان

در آستانه انتخابات نظام مهندسی ارتباطی با مهندس امیرعلی فهیمی برقرار کردیم تا نظر ایشان را درباره انتخابات و لازمه تشکیل یک نظام مهندسی ایده‌آل جویا شویم. او که عضو هیأت‌رئیسه هیأت امنای جامعه فارغ‌التحصیلان دانشگاه امیرکبیر و فعال حرفه‌ای و مدیرعامل تشکل حرفه‌ای تابش است در ادامه این‌گونه باب گفت‌وگو را با همکار ما باز کرد.

نگاهی که به وضعیت مهندسی کشور، وجود دارد، چگونه است؟

تعدد و تنوع رشته‌های مهندسی و کار گروهی لازمه و پایه فعالیت‌های حرفه‌ای مهندسان است. با توجه به ظرفیت‌های بالای فردی مهندسان که از قشر فرهیخته و دانشمند هستند و نیز ظرفیت علمی و حرفه‌ای که در دانشگاه‌ها به ایشان منتقل می‌شود و از آنجایی که کار گروهی و جمعی و تعامل سازمانی و فراسازمانی در حرفه مهندسی لازمه حیات حرفه‌ای، پیشرفت و ترقی فردی و جمعی جامعه بزرگ مهندسان است، بنابراین جایگاه اجتماعی مهندسان کشور در شرایط کنونی، وضعیتی ایده‌آل و آرمانی ندارد و نیازمند بازنگری، ایده‌پردازی است که این کارها تخصص جامعه مهندسان است. پس از بررسی و مطالعات ظرفیت‌ها و نیازهای مهندسان و واکاوی آسیب‌های اجتماعی و مسئله اشتغال، ایده «میز



کار مهندسان» را به‌عنوان راه‌حل کارسازی برای بهبود وضعیت موجود و نیازی برای آینده کشور ارائه می‌کنم.

این راه‌حل‌ها چه می‌تواند باشد؟

با توجه به هزینه بالای مسکن و محیط‌های اداری به‌ویژه در شهرهای بزرگی مانند تهران، خرید یا اجاره دفتر کار هزینه‌بر و گران است و مهندسان تازه فارغ‌التحصیل‌شده که سرشار از ایده و انرژی هستند، امکان تأمین محلی برای دفتر خود را ندارند. در طرح میز کار مهندسان، سازمان یا ارگان متولی امر اقدام به واگذاری یک میز به مهندس متقاضی می‌کند. نیازهای اولیه امر، اعم از اتاق جلسات، پرسنل دفتری و دیگر ملزومات در اختیار مجموعه «میز کار مهندسان» قرار می‌گیرد و ضمن کاهش فراوان هزینه‌ها دفتری مناسب برای تقویت کار گروهی و شکل‌گیری ارتباطات حرفه‌ای فراهم می‌شود.

متولی امر چه کسانی هستند؟

تمام سازمان‌ها، ارگان‌ها و دانشگاه‌ها می‌توانند مجری کار خود باشند، اما از آنجا که سازمان نظام مهندسی، متولی ارتقای جایگاه حرفه‌ای و اجتماعی مهندسان است، باید به‌طور ویژه به موضوع وارد شود و به‌عنوان یکی از اصلی‌ترین متولیان اجرائی میز کار مهندسان کار خود را آغاز کند. که البته تشکل حرفه‌ای مهندسی «تابش» اعلام آمادگی خود را در همه مراحل اجرائی این طرح، اعلام می‌دارد و قصد دارد با ورود افراد کاردان و باتجربه به انتخابات این دوره، تحولی شگرف و محسوس را در نظام مهندسی حاکم به‌وجود بیاورد.

با توجه به نزدیک‌شدن به انتخابات...

سازمان در سال‌های اخیر، فعالیت‌های زیاد و مؤثری را در این حرفه آغاز کرده و بخشی از آن را اجرائی کرده است. بدیهی است انتقادهای فراوانی به سازمان وارد است، اما نباید از تأثیرهای مثبتی که در حرفه و جامعه داشته، گذشت؛ علاقه و استقبال در شرکت در انتخابات پیش‌رو شاهد این مدعاست. تابش نیز در این عرصه همراه مهندسان بوده و تلاش کرده با شناسایی مهندسان خبره، صنفی، حرفه‌ای و دانشمند در این مسیر با جامعه مهندسین همراه شود. هیأت‌مدیره باید، ترکیبی باشد از: فعالان صنفی، حرفه‌ای، دانشگاهیان، مدیران و جوانان باتجربه و پیشکسوتان کاردان که تصمیم‌های چالاک و مؤثری بگیرند و آنها را اجرا کنند.

بازار

ارز *	قیمت(تومان)	تغییر
دلار آمریکا	۳۴۸۰	⇧
یورو	۳۹۲۲	⇧
پوند	۵۲۷۰	⇧
درهم	۹۴۷	⇧

عنوان شاخص	مقدار	تغییر
کل	۶۱۲۳۳٫۶	۶۹٫۹۱
شاخص قیمت	۲۳۹۸۶٫۵	۲۷٫۲۹
شاخص کل (هم‌وزن)	۹۴۸۹٫۸	۱۴٫۲۰
شاخص قیمت (هم‌وزن)	۸۰۹۷٫۲	۱۲٫۲۰
آزاد شناور	۶۷۵۶۱٫۸	۱۶۷
۵۰ شرکت بزرگ	۲۵۰۲٫۴	۳٫۸۰

طلاو سکه *	قیمت	تغییر
طرح جدید	۹۲۲۳۰۰	⇧
طرح قدیم	۹۲۱۰۰۰	⇧
نیم	۴۶۸۰۰۰	⇧
ربع	۲۵۷۰۰۰	⇧
گرمی	۱۷۱۰۰۰	⇧
گرم ۱۸ عیار	۹۴۳۳۰	⇩
اونس * (دلار)	۱۱۳۶	⇩